

۱۲

داسی دایناسی

جوراب پاره



ناصر کشاورز

تصویرگر: غزاله باروتیان

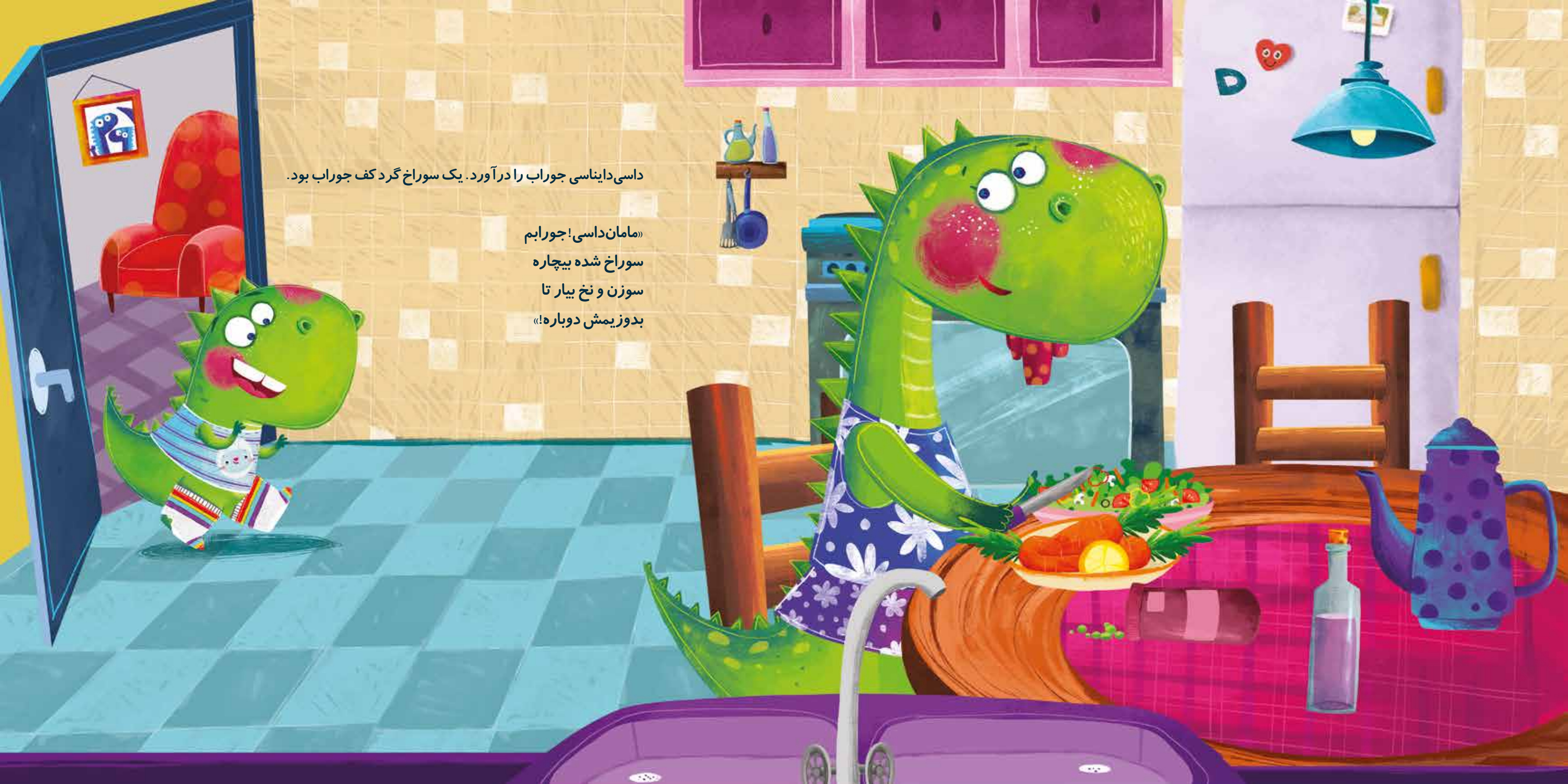
یک شب داسی دایناسی داشت به جوراب و پاهایش نگاه می کرد.
کف جوراب سوراخ شده بود و پاشنه‌ی پایش مثل سیب زمینی بیرون زده بود.

«این پاشنه‌ی پا
یا سیب زمینی ست؟
سیب زمینی جاش
تو این جوراب نیست.»



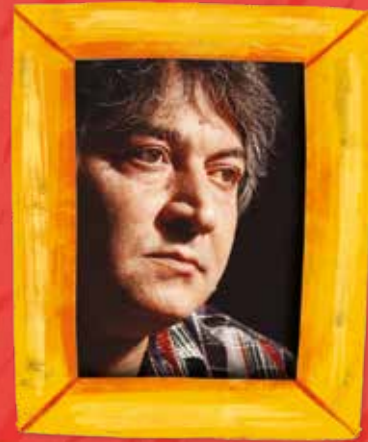
داسی دایناسی جوراب را در آورد. یک سوراخ گرد کف جوراب بود.

«مامان داسی! جورابم
سوراخ شده بیچاره
سوزن و نخ بیار تا
بدوزیمش دوباره!»





غزاله باروتیان هستم. از بچگی همیشه دنیاهای خیالی توی ذهنم درست می‌کردم. تا اینکه وقتی بزرگتر شدم تصمیم گرفتم تصویرگر بشم تا بتونم چیزهایی رو که توی ذهنم می‌بینم، بکشم. اون‌قدر کشیدم تا سر از کتاب‌های داستان درآوردم. توی چندتا جشنواره مقام آوردم و چند نمایشگاه تصویرسازی برگزار کردم. من توی شهر همدان بزرگ شدم. درخت‌ها و باغ‌های خوش‌آب‌وهواش ذهنم رو پر از طرح‌ها و تصاویر رنگی‌رنگی می‌کرد. راستی توی دانشگاه هم، علاوه بر یک رشته‌ی دیگه که ربطی به هنر نداشت، رشته‌ی تصویرسازی رو هم خوندم و از همون‌جا تصمیم گرفتم به تصویرگر خوب بشم.



ناصر کشاورز هستم. سال ۱۳۴۱ به دنیا اومدم. شعر کودک رو با مجله‌ی کیهان بچه‌ها شروع کردم و اولین شعرم هم در همون مجله چاپ شد. اولین کتابم هم به نام من و مرغابی‌ها در سال ۱۳۶۵ چاپ شد. جایزه‌های زیادی در حوزه‌ی ادبیات کودک و نوجوان گرفتم. یکی از مهم‌ترین اون‌ها، نشان «ماه طلایی» از جشنواره‌ی بزرگ ادبیات کودک و نوجوانه، همچنین برنده‌ی نشان «مداد پرنده» از جشنواره‌ی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شدم.

برخی از کتاب‌های من که هوپا منتشر کرده‌است:

مجموعه‌ی ۱۲ جلدی «داسی دایناسی»

مجموعه‌ی ۴ جلدی «ترترترانه»

مجموعه‌ی ۳ جلدی «انگلارسی»

